

جرم انگاری ظلم به حیوانات (مطالعه تطبیقی)

جعفر یزدیان جعفری^۱

استادیار گروه حقوق دانشگاه کاشان

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۲

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۴/۰۷

چکیده

ظلم به حیوانات از جرایم شناخته شده در حوزه‌های قضایی کشورهای مختلف است. اما متأسفانه مقررات کیفری ایران از این جهت بسیار ناقص بوده و به جز مقررات معدودی مستند عام در این خصوص ندارد. در این مقاله با بررسی مبانی جرم‌انگاری و ارکان تشکیل دهنده سعی گردیده است این جرم با استفاده از مقررات کیفری برخی کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده و فرانسه به جامعه حقوقی کشورمان و مراکز حمایت از حقوق حیوانات معرفی گردد. سؤال اساسی تحقیق این است که اولاً: مبانی جرم‌انگاری ظلم به حیوانات چیست و اثر انتخاب هر کدام از این مبانی بر ارکان جرم چه خواهد بود؟ و ثانیاً: با توجه به بافت فرهنگی و اقتصادی ایران کدام مبنا برای جرم‌انگاری مناسب کشورمان است؟ مبنای جرم‌انگاری در این جرم می‌تواند فایده‌گرایی به صورت جلوگیری از زیان به انسان از طریق جلوگیری از زیان به حیوان و یا اخلاق‌گرایی یعنی غلط بودن نفس اعمال خشن نسبت به هر موجودی اعم از انسان یا حیوان باشد. به نظر می‌رسد دیدگاه اول به جرم‌انگاری حد اقلی و دیدگاه دوم به جرم‌انگاری حد اکثری منجر گردد. با توجه به عدم وجود بسترهای فرهنگی لازم در کشورمان و علی‌رغم وجود مبانی شرعی کافی در رعایت حقوق حیوانات در حال حاضر الگوی حد اقلی برای جرم‌انگاری این عمل در مقررات کیفری ایران مناسب‌تر است. در چنین الگویی عنصر مادی جرم هر گونه رفتار ظالمانه عمدتاً بر جسم حیوان به صورت کشتن یا ایراد رنج غیر ضروری است. موضوع جرم نیز حیوانات از نوع مهره‌داران هستند و در عنصر معنوی نیز غالباً جرمی عمدی است. از نظر مجازات در کشورهایی که این عمل جرم‌انگاری شده است، بیشتر درجه جنجه‌ای دارد. روش تحقیق به صورت توصیف این موضوع و سپس تحلیل آن با استفاده از منابع موجود بر اساس قوانین و دکترین کشورهای منتخب بوده است.

واژگان کلیدی: ظلم، حیوان، جرم انگاری، فایده‌گرایی، اخلاق‌گرایی

مقدمه

حقوق کیفری به عنوان شدیدترین ضمانت اجرای قواعد حقوقی تنها باید به صورت آخرین درمان مورد استفاده قرار گیرد و آن در صورتی است که اصول جرم‌انگاری در مورد هر جرم رعایت شده باشد؛ یعنی اولاً: رفتار در زمره شدیدترین رفتارهای ضد اجتماعی باشد؛ ثانیاً: با ابزارهای دیگری غیر از مجازات نتوان از آن جلوگیری کرد و ثالثاً: فواید جرم‌انگاری آن بیشتر از

1. Email: j_yazdian@yahoo.com

زبان‌های احتمالی جرم‌انگاری باشد (فلاحی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). تنها در این صورت است که حقوق کیفری می‌تواند به رسالت خود در حفظ نظم عمومی عمل نماید. سیاهه مقررات کیفری کشورمان بعضاً حکایت از جرم‌انگاری‌های بدون رعایت اصول و مبانی مزبور دارد. با وجود این در برخی موارد با خلاءهای قانونی در جرم‌انگاری مواجه هستیم.

انگیزه نگارنده در نگارش این سطور به رأیی بر می‌گردد که چندی پیش از یکی از محاکم کیفری کشورمان صادر شده بود. در این رأی متهم به علت آنکه چهارپای بلا صاحبی به مزرعه وی وارد شده و محصولش را چریده بود، با ریختن بنزین بر روی حیوان آن را تلف کرده بود. دادگاه با استدلال به اینکه عمل متهم افکار عمومی را تحت الشعاع قرار داده است، این اقدام را غیر انسانی تلقی و مستند به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) وی را محکوم نموده بود. ظاهراً دادگاه عمل متهم را تظاهر به عمل حرام تلقی نموده است.

در اینکه مصداق عمل حرام در این ماده چیست، نظرات مختلفی از سوی حقوقدانان مطرح شده است. اما آنچه از عنوان فصل مربوطه یعنی جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و نیز جرایم مذکور در این فصل^۲ بر می‌آید، این است که مقصود قانونگذار اعمال حرامی است که جنبه جنسی داشته و به صورت علنی انجام شود. لذا دیگر اعمال غیر مرتبط با این حوزه را شامل نمی‌شود. در کشورهایی که جرم ظلم به حیوانات^۳ پیش‌بینی شده است، عمل مزبور می‌تواند از مصادیق این جرم باشد. شاید لازم باشد قانونگذار ما نیز با همین عنوان جرمی را در قانون پیش‌بینی کند؛ به ویژه آنکه در فرهنگ دینی ما حقوق حیوانات دارای جایگاه شایسته‌ای است. البته از بین بردن یا ناقص کردن حیوان متعلق به دیگری (در قالب جرم تخریب) یا از بین بردن گونه‌های خاصی از حیوانات (در قالب نوعی از جرایم علیه محیط زیست) موضوع مواد ۶۷۹ و

۱. ماده ۶۳۸ ق. م. ا. هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۲. رابطه جنسی نامشروع، تسهیل فحشاء، هرزه نگاری و مزاحمت تلفنی موضوعات سایر مواد این فصل است. به نظر می‌رسد مورد اخیر نیز منطقاً از حوزه این جرایم خارج باشد و در حوزه جرایم علیه آرامش روانی اشخاص قرار بگیرد. چنانکه در قانون فرانسه نیز اینگونه است. ظاهراً ذهنیت قانونگذار از برخی مصادیق این جرم که با انگیزه‌های جنسی واقع می‌شود، علت جایابی ماده مزبور در فصل مربوطه است.

3. Cruelty on animals.

۶۷۰ ق. م. ا. مصادیقی از جرم‌انگاری با موضوع حیوان است که ربطی به جرم ظلم به حیوانات ندارد؛ بنابراین ضرورت جرم‌انگاری این عنوان به طور مستقل احساس می‌شود.^۱

در ادامه با بررسی قوانین دیگر کشورها به ویژه ایالات متحده آمریکا و فرانسه برآیند، منبعی هر چند مختصر برای ادبیات حقوقی کشورمان تدارک بینیم؛ زیرا امروزه قضاوت درباره یک نظام کیفری فقط با مراجعه به قانون کیفری آن مطمئن‌ترین روش برای خود فریفتن است (پرادل، ۱۳۸۸: ۸۹). به این نکته باید واقف بود، فقدان نهادی خاص در نظم حقوقی یک کشور و به عکس وجود آن نهاد در کشوری دیگر الزاماً به معنی آن نیست که تضاد غیر قابل انکار میان این دو سامانه حقوقی وجود دارد در حوزه حقوق کیفری یک هدف اساسی باید همه جا محقق گردد و آن هدف، به دست گرفتن ارزش‌های تعیین‌کننده و اساسی است (همان: ۱۰۲).

دو سؤال اساسی تحقیق از این قرار است: ۱- جرم‌انگاری این رفتار بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟ ۲- کدام مبنا برای جرم‌انگاری این عمل، مناسب جامعه ایران خواهد بود؟ فرضیات تحقیق بر اساس سؤالات فوق عبارتند از: جرم‌انگاری این عمل می‌تواند بر اساس اصل غیر اخلاقی بودن یا اصل ضرر باشد که هر کدام از این دو مبنا منجر به جرم‌انگاری متفاوتی خواهد شد و ارکان جرم را به لحاظ توسعه و ضیق تحت تأثیر قرار خواهد داد. به علاوه با توجه به وضعیت فرهنگی ایران هنوز نمی‌توان از مبنای غیر اخلاقی بودن و جرم‌انگاری حد اکثری سخن گفت و برای شروع جرم‌انگاری اصل ضرر که منجر به جرم‌انگاری حداقلی می‌گردد، مناسب‌تر است. در ادامه در قالب بررسی مبانی جرم‌انگاری و ارکان جرم و مجازات آن، این دو مبنا و تأثیر قبول هر یک از آنها بر دامنه جرم‌انگاری این عمل تحلیل شده و در نهایت دیدگاه مختار ارائه خواهد شد.

الف- مبانی جرم‌انگاری

قانونگذار می‌تواند فلسفه جرم‌انگاری این جرم را یکی از مبانی فایده‌گرایی یا اخلاق‌گرایی قرار دهد.

۱. استثنائاً برخی مقررات را می‌توان در حقوق کیفری کشورمان در این زمینه یافت. بند ج ماده ۱۳ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ از این جمله است که مطابق آن شکار یا صید جانوران به طریق وحشیانه و ظالمانه از جمله با استفاده از سم دادن، مواد منفجره، با استفاده از تعقیب با وسایل نقلیه موتوری یا کشتار آنها به طریق جریگه و محاصره دسته جمعی جرم شناخته شده است. برخی در تعلیل این ممنوعیت به ائتلاف دسته جمعی حیوانات در این شیوه‌های شکار اشاره کرده‌اند (خالقی، ۱۳۸۹: ۱۶۶) اما واقعیت آن است که موضوع فراتر از کمیت شکار است؛ در این ممنوعیت‌ها بحث ظلم به حیوان و غیر اخلاقی بودن این شیوه‌ها مطرح بوده است. چنانکه استفاده از طعمه نیز اگرچه لزوماً متضمن ائتلاف دسته جمعی نیست اما جزء طرق ممنوعه شکار محسوب شده است.

قبول هر یک از این دو مبنا بر قلمرو جرمانگاری تأثیر قابل توجهی خواهد داشت.^۱

۱. فایده‌گرایی در جرمانگاری ظلم به حیوانات

در جرمانگاری با مبنای فایده رفتاری می‌تواند جرم باشد که مضر بوده و با جرم شناختن آن دفع ضرری صورت گیرد. البته این ضرر ناشی از جرم می‌تواند متوجه فرد یا جامعه باشد.^۲ قوانین ابتدایی ظلم به حیوانات در غرب که از نیمه قرن نوزدهم شروع شد، ناظر به ظلم به حیوان دیگری بود که بعداً این جرم به ظلم نسبت به حیوان خود نیز گسترش یافت و در مرحله بعد ظلم به هر حیوانی اعم از اینکه به فرد خاصی تعلق داشته یا نداشته باشد، جرمانگاری شد. در این مرحله توجیه جرمانگاری مبتنی بر ضرر غیر مستقیم به جامعه است؛ بدین معنا که قوانین ممنوعیت ظلم به حیوانات با کاهش سطح کلی خشونت و رفتارهای ضد اجتماعی در جامعه به صورت بالقوه از انسان حمایت می‌کند؛ زیرا نتایج تحقیقات حکایت از آن دارد، کسانی که نسبت به حیوانات مرتکب خشونت می‌شوند، این رفتار را نسبت به انسان‌ها نیز انجام می‌دهند بنابراین هدف از این قوانین حمایت از انسان در برابر رفتارهای وحشیانه و غیر متمدنانه است (challender, 2010: 500-504).

این مبنا که همواره ضرر به انسان اعم از مستقیم و غیر مستقیم را محور بحث قرار می‌دهد، ظاهراً از فلسفه خاصی راجع به حقوق حیوانات بهره می‌گیرد که مطابق آن در مخلوقات سلسله مراتبی وجود دارد که در رأس آن انسان سپس حیوان و بعد گیاهان قرار دارند. بر اساس چنین دیدگاهی اصل بر آن است که موجودات طبقه بالاتر حق بهره‌برداری و هرگونه استمتاع از موجودات طبقه پایین‌تر را دارند؛ مگر آنچه استثناء می‌شود. بنابراین انسان می‌تواند از حیوانات هر نوع بهره‌برداری را بنماید، مشروط بر اینکه خود انسان به صورت فرد دیگر یا هیئت اجتماع آسیب نبیند. در مصادیق ظلم به جهت ایراد چنین آسیبی عمل ممنوع اعلام می‌شود. مطابق دیدگاه ارسطو حیوانات چون عقل و شعور ندارند، توسط انسان که واجد این ویژگی است، به خدمت گرفته می‌شود. توماس اکویناس نیز به عنوان فیلسوف مسیحی معتقد است، موجوداتی که توانایی هدایت رفتارشان را ندارند، باید توسط سایر موجوداتی که این توانایی را دارند، هدایت

۱. در حمایت از حیوانات در قالب جرایم علیه محیط زیست نیز دو مبنای انسان محور و محیط زیست محور مطرح است

که علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی بین آنها، همپوشانی قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر دارند (مولایی، ۱۳۸۶: ۲۷۷).

۲. راجع به جرمانگاری فایده‌گرایی ر.ک: فرحبخش، مجتبی، جرمانگاری فایده‌گرایی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳.

شوند. همین که موجودی در سلسله مراتب در مرتبه پایین‌تری قرار می‌گیرد، بهره‌برداری از او توسط موجود مرتبه بالاتر امری طبیعی است و نیاز به توجیه اخلاقی دیگری ندارد. به عقیده کانت نیز تنها چیزی که ارزش ذاتی دارد، اراده نیک است؛ چون حیوانات فاقد آند پس ارزش ذاتی ندارند (Wilson, 1-8) به عقیده کانت ما هیچ وظیفه مستقیمی در قبال حیوانات نداریم. حیوانات صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به غایتی هستند و آن غایت انسان است. بنابراین وظایف ما در مقابل حیوانات صرفاً وظایف غیر مستقیم نسبت به انسانیت است (پالمر، ۱۳۸۵: ۱۲۴). دکارت نیز با استناد به فقدان هوشیاری در حیوانات حقوق آنها را رد می‌کند و معتقد است اگر هم ممنوعیتی در کار است، بدین دلیل است که ظلم به حیوانات احتمالاً ما را نسبت به انسان‌ها نیز ظالم‌تر می‌کند و در مقابل مهربانی با حیوانات ما را نسبت به انسان‌ها نیز مهربان‌تر می‌نماید (Wilson opcit).

۲. اخلاق‌گرایی در جرم‌انگاری ظلم به حیوانات

اخلاق‌گرایی در فلسفه جرم‌انگاری معتقد است، خطا بودن یک رفتار در نفس آن است، صرف نظر از اینکه اثر بدی روی دیگران داشته یا نداشته باشد. سرزنش عمومی عمل بیانگر قضاوت اخلاقی جامعه نسبت به آن عمل است و این سرزنش می‌تواند بیانگر ارزش کیفری عمل و ضرورت جرم‌انگاری آن باشد (فلاحی، ۱۳۹۳: ۳۵۴). ظلم به حیوانات فی نفسه و بدون ممنوعیت قانونی دیگر غیر اخلاقی و خطاست؛ چون خشونت فارغ از موضوع آن مورد تأیید نیست. درست است که حیوانات منطقی، عمل منطقی و جامعه اخلاقی ندارند اما مسئله این نیست که آنها قدرت استدلال ندارند مهم این است که آنها نیز آزردده و رنجیده می‌شوند^۱ و از این منظر با انسان‌ها مشترک‌اند؛ پس همان حمایت‌هایی که از انسان‌ها می‌شود، لازم است از حیوانات نیز صورت گیرد. پیتر سینگر و تام ریگان^۲ از این دیدگاه به حقوق حیوانات نگاه می‌کنند. به عقیده ریگان باید به مفهوم ارزش ذاتی تکیه کرد. هر موجودی که واجد حیات است، دارای ارزش ذاتی است و هر موجودی که ارزش ذاتی دارد، شایسته احترام است (Wilson, 19). به عقیده سینگر اگر موجودی درد بکشد، برای اعتنا نکردن به آن درد نمی‌توان توجیه اخلاقی ارائه کرد. فرقی نمی‌کند که آن موجود چیست. اصل برابری مستلزم آن است که درد آن موجود با درد مشابه آن از هر موجود دیگری تا آنجا که بتوان مقایسه‌ای تقریبی انجام داد، یکسان باشد (پالمر، همان: ۱۲۱).

۱. ترس از مرگ به عنوان یکی از ویژگی‌های مشترک انسان و حیوان در روایت نیز مورد اشاره قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۵: ۵۳۷).

2. Peter Singer and Tom Regan.

مطابق این دیدگاه اصل بر ممنوعیت بهره‌برداری از حیوان توسط انسان است، مگر آنچه استثنا می‌شود؛ مثلاً اگر بقای انسان بر استفاده از حیوان باشد، در مقام تعارض حقوق می‌توان به استفاده از حیوان حکم کرد.

بدیهی است در صورت وجود جایگزین (مانند گیاهان) این استفاده ممنوعیت خواهد داشت؛ به عبارت دیگر نمی‌توان به دلیل بر آورده کردن نیازهای غذایی از خوردن گوشت دفاع کرد؛ زیرا ثابت شده است که ما می‌توانیم نیازمان را به پروتئین و دیگر مواد غذایی ضروری با یک برنامه غذایی که در آن به جای گوشت دانه‌های سویا و فرآورده‌های گیاهی دیگر به کار رفته است، بهتر تأمین کنیم.

پرورش حیوانات و خوردن آنها یعنی قربانی کردن مهم‌ترین منافع موجودات دیگر برای تأمین منافع ناچیز خودمان (لذت ذائقه) و این نوع پرستی است. همچنین یک آزمایشگر هنگامی که آزمایشی روی حیوان انجام می‌دهد، تعصب به نوع خود را نشان می‌دهد (همان: ۱۲۲ و ۱۲۴). به عقیده سینگر اگر معیار تمایز انسان از حیوان وجود عقل در انسان باشد، راجع به برخی انسان‌ها (مجانبین) نیز می‌توان به همین نحو استدلال کرد. آیا می‌توان حکم به بهره‌برداری از مجانبین توسط عقلا داد؟ از این نیز فراتر اگر بر اساس وضعیت اخلاقی کامل انسان قضاوت کنیم، باید تبعیض بین انسان‌ها بر اساس نژاد یا جنسیت را نیز بپذیریم؛ چون از این منظر همه انسان‌ها یکسان نیستند. اگر این موضوع را راجع به انسان‌ها و نژادهای گوناگون آنها نمی‌پذیریم، در مقایسه حیوانات با انسان‌ها نیز نباید پذیرفت (Ibid: P16).

مبنای فایده‌گرایانه منتهی به جرم‌انگاری اقلی در این زمینه خواهد شد؛ زیرا معتقد است هیچ خطای ذاتی در استفاده و بهره‌برداری از حیوان برای اهداف بشری وجود ندارد؛ به شرط آنکه به روشی انجام نشود که برای جامعه مضر باشد. در مقابل در منطق اخلاق‌گرایی حیوان نباید به منزله یک وسیله و کالا نگریسته شود بلکه در عمده موارد خلقتی، با انسان‌ها مشترک بوده، لذا دارای حقوق بنیادین مشترک هستند. در نتیجه رفتارهای ممنوعه بیشتری را در بر گرفته منتهی به جرم‌انگاری حد اکثری می‌گردد.

انتخاب هر یک از این دو مبنا برای جرم‌انگاری صرف نظر از مباحث فلسفی و معرفت‌شناختی به نگرش مردم جامعه نیز بستگی دارد. در جامعه‌ای که مردم آن کمتر به حقوق حیوانات احترام می‌گذارند، جرم‌انگاری حد اکثری راه به جایی نبرده و معضل متروک ماندن قانون را به همراه خواهد داشت؛ زیرا تغییر و تحول رفتارها و روحیات بهتر است به صورت غیر مستقیم و از طریق ایجاد انگیزه ضروری برای پذیرش تحول صورت گیرد و الاً ممکن است، فشار قانون در ایجاد هماهنگی موجب

تبعیت ظاهری از محتوای قانون و تقویت روحیات مخالف در درون افراد گردد (صانعی، ۱۳۸۱: ۷۰۲). همواره باید در نظر داشت که هنجارهای حقوقی تا حدودی می‌توانند به هنجارهای اجتماعی سرو سامان دهند. در دیگر موارد باید با مکانیزم‌هایی غیر از حقوق به ویژه از نوع کیفری آن به حل مسئله پرداخت. در آغاز قرن بیست و یکم به سادگی می‌توان مشکلات حمایت از حقوق حیوانات را درک کرد. وقتی هنوز برای انسان‌ها بر حسب آمریکایی یا آفریقایی بودن یا زن و مرد بودن طبقه‌بندی ایجاد می‌شود، قابل درک است که جامعه همچنان از شناسایی حقوق حیوانات غافل باشد (madelin, 2001: 330). وانگهی مردم بیشتر به رفاه خودشان می‌اندیشند تا رفاه حیوانات در تحقیقی که صورت گرفته است، ۶۸ درصد پاسخ دهندگان معتقد بودند، پایین‌تر بودن قیمت گوشت مهم‌تر از رفاه حیوانات مزارع است. این بدان معناست که مردم نمی‌خواهند کیفیت زندگی شان را با بهبودی وضع حیوانات مزارع معامله کنند (3, cruelty to animals).

به نظر می‌رسد بافت فرهنگی و اقتصادی کشور خودمان نیز آمادگی لازم برای جرم‌انگاری حداکثری در این زمینه را ندارد؛ به عبارت دیگر هنوز مردم به حیوانات به دید موجودات فرودست نگاه می‌کنند و نه موجوداتی که به اندازه انسان حق حیات دارند و آموزش لازم برای تغییر این رویکرد به اندازه کافی از سوی مراجع مربوطه صورت نمی‌گیرد. این در حالی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بندهای اول و دوم اصل سوم ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها را جزء تکالیف و وظایف دولت بر شمرده است. بدیهی است که اولاً؛ تقدم بحث اخلاق و آموزش عمومی در این اصل بر سایر وظایف دولت در زمینه‌های اقتصادی و حتی امنیتی حکایت از اهمیت این موضوع برای قانون‌گذار اساسی داشته است. ثانیاً؛ مردم برای تأمین نیازهای اقتصادی خود از ابزارهای جایگزین برای جلوگیری از ظلم بهره‌مند نیستند. دامداری و کشاورزی سنتی و غیر مکانیزه در اکثر روستاها و مزارع مؤید این امر است.

ب- ارکان جرم و مجازات

۱. رکن قانونی

به دو نمونه از مواد قانونی راجع به جرم ظلم به حیوانات از قانون فرانسه و قانون جزای نمونه ایالات متحده اشاره می‌گردد. در قانون فرانسه در قالب مستقلاً ذیل کتاب پنجم با عنوان دیگر جنایات و جنحه‌ها این عمل پیش‌بینی شده در حالی که در قانون امریکا ذیل جرایم علیه

نظم عمومی آمده است. ظاهراً قانونگذار فرانسوی برای حیوانات شأن مستقلی قائل شده است.^۱

ماده ۱-۵۲۱ قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۹۹۴:

بهره‌کشی شدید یا رفتارهای وحشیانه نسبت به حیوانات:

«عمل به طور علنی یا غیر علنی در مبادرت به بهره‌کشی شدید یا با ماهیت جنسی یا ارتکاب یک رفتار وحشیانه نسبت به حیوانات اهلی یا رام شده یا در قفس مستوجب دو سال حبس ساده و سی هزار یورو جزای نقدی است. به عنوان کیفر تکمیلی دادگاه می‌تواند حبس حیوان را به عنوان دایم یا غیر آن منع سازد. مفاد ماده کنونی در مسابقه‌های گاو بازی به هنگامی که ممکن است، سنتی محلی ایجاب نماید، اعمال نمی‌شود. این مفاد همچنین نسبت به خروس جنگی‌ها در جایی که سنتی محلی می‌تواند وضع شود، اعمال نمی‌شود. هرگونه وحشی‌گری نسبت به یک ماکیان جدید مستوجب کیفرهای پیش‌بینی شده در شق نخست است. همچنین ترک یک حیوان خانگی، رام شده یا در قفس به جز حیواناتی که دوباره محل را پر از جانور می‌کنند، مستوجب همین کیفرها است.»

ماده ۲-۵۲۱: «اقدام به انجام آزمایش‌ها یا تحقیقات علمی یا تجربی روی حیوانات بدون رعایت شروط تعیین شده به موجب مصوبه شورای دولتی مستوجب کیفرهای پیش‌بینی شده در ماده ۱-۵۲۱ است» (قانون مجازات فرانسه، ۱۳۸۶-۳۸۷).

ماده ۱۱-۲۵۰ قانون جزای نمونه مؤسسه حقوق امریکا ۱۹۶۲:

ظلم به حیوانات:

«شخص مرتکب جرم جنحه‌ای می‌شود، اگر آگاهانه یا از روی بی‌پروایی:

۱- هر حیوانی را در معرض بد رفتاری ظالمانه قرار دهد؛

۲- هر حیوانی را که تحت نگهداری وی قرار دارد در معرض غفلت ظالمانه قرار دهد یا

۱. بنابراین به نظر می‌رسد اشتباه است، جرم ظلم به حیوانات را ذیل جرایم علیه محیط زیست یا جرایم علیه اموال قرار دهیم؛ زیرا موضوع حمایت در جرم ظلم به حیوانات، حیوانات خاصی که بر محیط زیست انسان اثر می‌گذارند، نیستند و از طرفی مالکیت حیوان توسط شخص خاصی ضرورتی ندارد و حتی خود مالک حیوان نیز در این جرم در معرض اتهام است. به همین دلیل است که قانونگذار فرانسوی جانور را به عنوان یک موجود حساس از سایر اموال با ماهیت مادی تفکیک نموده است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۴: ۸۶) در مجموع می‌توان گفت حمایت کیفری از حیوانات گاهی در قالب جرم علیه محیط زیست گاهی در قالب جرایم علیه مالکیت و گاهی در ذیل جرم ظلم به حیوانات جای می‌گیرد. متأسفانه چون عنوان اخیر در مقررات ما سابقه ندارد، بعضاً مولفین این جرایم را با یکدیگر خلط می‌نمایند.

۳- هر حیوان متعلق به دیگری را بدون مجوز قانونی یا رضایت صاحب آن بکشد یا مورد آسیب قرار دهد.

مفاد بندهای ۱ و ۲ نسبت به اعمال دامپزشکی پذیرفته شده و فعالیت‌های انجام شده برای تحقیقات پزشکی قابل اعمال نمی‌باشد» (model penal code, 1985: 195).

۲. رکن مادی

تحلیل رکن مادی این جرم ناظر بر بررسی اولاً: مفهوم ظلم به عنوان رفتار ممنوعه مرتکب و ثانیاً: مفهوم حیوان به عنوان موضوع جرم است.

۲-۱. مفهوم ظلم

قوانین به لحاظ رفتاری ظلم را عمل ایراد درد و رنج غیر ضروری بر حیوان تلقی می‌کنند. این عمل شامل بد رفتاری، شکنجه مانند شلاق زدن، بریدن اندام و از کار انداختن اعضا می‌شود. افزون بر این کشتن غیر ضروری نیز مصداق آشکار این جرم است. اگر چه این اعمال اغلب به صورت ایجابی و مثبت است، مصداقی از ترک فعل را نیز می‌توان به صورت غفلت از حیوان در این قوانین یافت (challenger, opcit, 505). مقصود از غفلت، رفتاری است که به نرسیدن آب و غذا و مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی یا پناهگاه برای حیوان بینجامد. اعراض از حیوان آسیب دیده یا ناتوان به صورت رها کردنش در محیط آسیب رسان نیز می‌تواند مصداق دیگری از بدرفتاری با حیوان تلقی گردد.

رفتارهای ممنوعه عمدتاً علیه تمامیت جسمانی حیوان یا نهایتاً حق آزادی‌اش است و گرنه رفتارهای دیگر که برای انسان‌ها جرم‌انگاری گردیده‌اند؛ مثل توهین راجع به حیوانات جرم‌انگاری نشده‌اند.^۱

به طور خلاصه می‌توان در مجموع سه مصداق کلی برای ظلم بیان کرد: کشتن، آسیب زدن و بد رفتاری‌ها به صورت اذیت و آزار که در حد ایراد آسیب نباشد، بستن دست و پای حیوان به ویژه هنگام حمل و نقل، تحمیل بار زیاد بر حیوان و نگهداری در شرایط بد می‌تواند مصداقی از بد رفتاری باشد. در ماده ۱-۵۲۱ قانون مجازات فرانسه علاوه بر بهره‌کشی شدید و ارتکاب رفتار وحشیانه، اعمال با ماهیت جنسی نیز نسبت به حیوانات جرم‌انگاری شده است.

۱. این در حالی است که در تعالیم مذهبی از توهین و نفرین نسبت به حیوان نیز پرهیز داده شده است. ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۶۵۵.

در برخی ایالات امریکا مانند ایلینویز تصویرگری ظلم به حیوانات به صورت عکس، فیلم، ضبط صدا و خرید و فروش و نگهداری این موضوعات نیز به عنوان افعال ممنوعه پیش‌بینی شده است (Animals cruelty laws state by state, 2003).

اعمال ممنوعه در زمینه‌های مختلفی قابل تحقق است، شامل:

موارد ظلم در پرورش حیوانات برای تولید گوشت دام و طیور مانند اسکان هزاران قطعه جوجه در تراکم بالا برای کاهش هزینه‌های تولید مرغ و تخم مرغ.

ظلم‌های با ماهیت روانشناختی به عنوان نمونه‌ای از ظلم عمدی به حیوانات: افرادی که دارای اختلالات شخصیت ضد اجتماعی‌اند، سابقه شکنجه و آسیب به حیوانات را نیز دارند. زمینه دیگر ظلم در بعد فرهنگی است: عملی که برخی فیلبانان برای رام کردن فیل‌ها انجام می‌دهند، مشتمل بر گرسنگی و بی‌خوابی دادن به حیوان است تا روحیه حیوان را شکسته و آن را مطیع مالک گردانند.

زمینه بعدی، استفاده از حیوانات در تولید فیلم‌های مهیج است که در آنها برای هیجان‌انگیزتر کردن فیلم، حیوانات وادار به کارهایی می‌شوند که برایشان با آزار و آسیب‌های شدید همراه است؛ برای مثال اسب‌هایی که برای پرش‌های خطرناک به کار می‌روند.

زمینه دیگر به عنوان سرگرمی در سیرک‌ها و باغ وحش‌ها صورت می‌گیرد که برای آموزش و انجام کارهای سرگرم‌کننده با استفاده از زنجیرو شلاق و فقدان مراقبت‌های پزشکی لازم نسبت به حیوانات بد رفتاری می‌شود. گاو بازی نمونه دیگری از ظلم به حیوانات است؛ به ویژه در مصادیقی که مرگ تدریجی توأم با شکنجه ناشی از سلاح‌های گاو باز را بر حیوان تحمیل می‌کند.

بالاخره استفاده از حیوانات در بارکشی و حمل و نقل به ویژه در محیط‌های خطرناک و جنگی نمونه دیگری از زمینه‌های ظلم به حیوانات است (cruelty to animals, 4-9).

ملاحظات رفاهی و اجتماعی انسان‌ها بعضاً موجب استثنا کردن برخی از نمونه‌ها و مصادیق جرم در قوانین گردیده و مفهوم غیر ضروری بودن ظلم ناظر به همین استثنائات به عنوان ظلم ضروری است؛ به عنوان نمونه در قانون فرانسه تا جایی که به عرف بر می‌گردد گاو بازی یا خروس بازی از این جرم استثناء شده است. همین طور داغ زدن بر حیوان برای نشان دار کردن آن، عملیاتی که برای تولید مثل حیوان یا عملیات تحقیقات پزشکی صورت می‌گیرد، از دیگر نمونه‌های این استثنائات است. همگی این استثنائات به یکی از دو امر بر می‌گردد یا دفع ضرر و یا جلب منفعت به شرطی که انجامش ضروری باشد، به تعبیر مقررات به نحو غیر ضروری نباشد.

اینکه حد و حدود ضرورت چیست، بسته به مبنای جرم‌انگاری (فایده‌گرایانه یا اخلاق‌گرایانه) متفاوت خواهد بود؛ به عنوان مثال راجع به استفاده از حیوانات در تحقیقات پزشکی آیا مجازیم، برای کشف اثر برخی داروها بر انسان رنج فوق‌العاده‌ای را بر حیوان وارد نماییم؟ (کاظمی، ۱۳۹۰: ۶۳-۸۲) در قانون جزای نمونه آمریکا و قانون مجازات فرانسه نیز به تحقیقات پزشکی به عنوان مصداق آشکار ظلم مجاز و ضروری با رعایت شرایط آن اشاره شده است. همین‌طور در مورد کشتن حیوانات بدیهی است، از بین بردن آنها برای تأمین غذا و پوشاک انسان‌ها یا برای تفریحات (شکار و صید) بسته به اینکه اصل را بر بهره‌برداری انسان از حیوان بگذاریم یا بر عدم بهره‌برداری قرار دهیم، متفاوت خواهد بود.

به لحاظ دوام عنصر مادی به جهت اینکه رفتار مرتکب طیف وسیعی از اعمال مختلف را در بر می‌گیرد، در برخی مصادیق جرم‌آنی و در مصادیقی مستمر است؛ مثلاً کشتن غیر ضروری یا مجروح کردن حیوان جرم‌آنی است در حالی که شکنجه حیوان یا اعراض یا غفلت از حیوان به نظر جرم مستمر است؛ زیرا نیاز به گذشت مدت زمانی خاص از فعل یا ترک فعل ممنوعه است تا عرفاً عنصر مادی جرم شکل گیرد.

همچنین به لحاظ نتیجه در برخی مصادیق جرم‌آنی مضمّن است؛ مانند کشتن و ایراد آسیب و در برخی مصادیق مطلق است؛ مانند در معرض خطر قراردادن حیوان. از نظر تعداد رفتار نیز در برخی مصادیق جرم‌آنی مزبور ساده و در برخی موارد مرکب از چند عمل ممنوعه است؛ مثلاً نگهداری در محیط نامناسب مشتمل بر ندادن آب و غذا، امکانات بهداشتی و پزشکی و غیره است که از مجموع آنها ظلم استنباط می‌گردد.

۲-۲. مفهوم حیوان

اغلب قوانین مقصود از حیوان را مهره‌دارانی غیر از انسان تلقی می‌کنند. مهره‌داران شامل پستانداران، پرندگان، خزندگان، دو زیستان و ماهیان‌اند. لذا بی‌مهرگان مانند حشرات، کرم‌ها و دیگر گونه‌های آن را در بر نمی‌گیرد. علت آن است که مشاهدات رفتاری‌شان نشان می‌دهد، بی‌مهرگان مانند حشرات به دلیل فقدان سیستم عصبی مشابه مهره‌داران و نتیجتاً عدم تحمل درد و رنج نمی‌توانند موضوع رفتار درد و رنج آفرین باشند. حال آنکه در مهره‌داران رفتارهایی مثل گریه کردن، سعی در فرار و غیره دلالت بر تحمل درد و رنج است (Madelin, opcit, 323). البته در برخی قوانین این مفهوم بعضاً وسیع‌تر یا محدودتر است؛ به عنوان مثال در قانون ظلم به

حیوانات ایالات می‌سی‌سی‌پی ایالات متحده هر موجود زنده^۱ موضوع جرم قرار گرفته است. لذا اعمالی چون استفاده از پروانه‌ها برای مجموعه داری یا استفاده از کرم‌ها برای طعمه را نیز می‌تواند در بر گیرد (challender, opcit, 510). در مقابل در برخی قوانین نه تنها بی‌مهرگان بلکه برخی مهره‌داران چون ماهی‌ها نیز از شمول این جرم استثنا شده‌اند (Ibid, P505). قانون فرانسه نیز حیوانات اهلی رام شده یا در قفس را تحت پوشش قرار داده است. قانونگذار ایران نیز به طور سنتی و در جرایم علیه محیط زیست با استفاده از تعابیر شکار و صید به طور غیر مستقیم مهره‌داران را مورد حمایت قرار داده است، تنها از حیث عرفی واژه شکار برای حیوانات خشکی و صید برای آبیان به کار می‌رود (رضوانی قوام آبادی، همان: ۸۷).

به نظر می‌رسد در اینجا نیز حوزه جرم‌انگاری به مبنای آن بستگی دارد. چنانکه در مبنای فایده‌گرایانه چون جرم بودن رفتار به دلیل خشونت بر قربانی است، تنها موجوداتی که قادر به درک خشونت‌اند موضوع جرم‌اند در مقابل اخلاق‌گرایی مانع از ارتکاب جرم علیه هر حیوانی است، چه قادر به درک خشونت باشد یا نباشد در این مبنا محوریت با عمل ممنوع است نه قربانی آن. از نظر علمی نیز نتایج تحقیقات نشان می‌دهد، (D.N.A) انسان‌ها با دیگر حیوانات اعم از مهره‌دار و بی‌مهره مشابه است و جایی برای چنین طبقه‌بندی‌هایی نیست. در واقع ما انسان‌ها هستیم که تمایزهای مذهبی و متافیزیکی را وارد حیطه ساختارهای حقوقی کرده، طبق آنها بشر را در طبقه مخصوصی قرار می‌دهیم با آنکه این طبقه بندی از لحاظ علمی کاذب و بی‌اهمیت است (پورمحمدی، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

راجع به زنده بودن یا نبودن حیوان نیز اصولاً بحث از ظلم راجع به حیواناتی است که زنده‌اند از این رو جسد حیوان را شامل نمی‌شود با این وجود بعید نیست، چنانچه شرایط جرم‌انگاری مهیا باشد، ظلم به جسد حیوانات را نیز بتوان شناسایی کرد. چنانکه بند ۳ ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق حیوانات^۲ ۱۹۷۸ نیز مقرر می‌دارد با جسد حیوانات نیز باید به شایستگی برخورد شود. در تعالیم مذهبی نیز جسد حیوان دارای احترام است و آنچه در بحث کشتن و سپس سوزاندن جسد حیوان موطوئه گزارش شده است در تعلیل آن از قول معصوم ۷ آمده به دلیل مصلحت بقای نسل انسان است؛ زیرا انسان‌ها نیازمندی خود را با حیوان برطرف کرده و این منجر به کاهش ازدواج می‌گردد (مقیم‌حاجی، ۱۳۸۵: ۱۹۲)؛ یعنی در اینجا نیز کشتن حیوان برای فایده‌ای است که برای جامعه انسانی دارد و نه تأیید اخلاقی بودن این عمل.

1. any living creature.

2. universal declaration of the rights of animals.

۳. عنصر معنوی

جرم ظلم به حیوانات در عمده موارد جرمی است عمدی که مستلزم سوء نیت است؛ یعنی مرتکب قصد رفتار ظالمانه با حیوان را داشته باشد لازمه این عمد علم به ماهیت رفتار و ظالمانه بودن آن ثانیاً علم به وجود یک حیوان زنده است. بنابراین چنانچه مرتکب جاهل به این موضوعات باشد، فاقد سوء نیت تلقی خواهد شد. در برخی حوزه‌های قضایی این جرم به رفتار بی‌پروایانه یا غفلت نیز توسعه یافته است؛ یعنی همین که مرتکب احتمال وقوع آسیب از عمل خود بر حیوان را بدهد، برای مجرمیت وی کفایت می‌کند. ظلم به حیوانات از طریق بی‌پروایی مبتنی بر این حالت ذهنی مرتکب است. حتی در برخی قوانین این جرم در مصداق به جنگ انداختن سگ‌ها جرم مادی صرف بوده، یعنی بدون توجه به وضعیت روانی متهم جرم‌انگاری شده است (challenger, opcit, 505).

۴. مجازات

طیف وسیع رفتار مجرمانه و انواع حیوانات در عنصر مادی و نیز انواع مجرمیت‌ها در عنصر معنوی (عمدی یا ناشی از غفلت بودن عمل) منجر به اعمال مجازات‌های متنوعی در این جرم گردیده است. عمدتاً در مواردی جرم درجه جنایی دارد که توأم با کیفیات مشدده باشد؛ مثلاً کشتن یا شکنجه در ایالت کلرادو علاوه بر اینها ورود آسیب بدنی شدید در ایالت کلمبیا، در ایالت مونتانا تعداد حیوانات تحت ظلم و اینکه کمتر یا بیشتر از ده عدد باشند، در ایالت آلاباما زمانی که حیوان در اختیار و تحت کنترل مرتکب باشد، در ایالت نیویورک هنگامی که فعل به صورت سادیستیک انجام گیرد و در میسوری زمانی که به صورت عمدی واقع شود (Animals cruelty laws state by state, 2003).

بنابر گزارش انجمن دفاع از حقوق حیوانات ایالات متحده در سال ۲۰۱۳ پنج ایالتی که شدیدترین قوانین ضد ظلم نسبت به حیوانات را دارند، شامل ایلینویز، مین، میشیگان، ارگان و کالیفرنیا می‌شود و ایالاتی که از این حیث ضعیف‌ترین قوانین را دارند، شامل کنتاکی، لواء، داکوتای جنوبی، نیو مکزیکو و وایومینگ است. در برخی موارد این جرم درجه جنایی داشته و در اغلب موارد جرحه‌ای تلقی می‌شود (cruelty to animals, 11). در قانون جزای نمونه نیز این جرم با درجه جرحه‌ای معرفی شده است. در هر حال چه این جرم جنایی باشد و چه جرحه‌ای حد اکثر مجازات یکسال حبس و حد اکثر جریمه ۵۰۰ دلار است. در برخی ایالات نیز دادگاه می‌تواند مجازات‌های تکمیلی به صورت ضبط و مصادره حیوان، پرداخت هزینه مراقبت از حیوان

در بند، ارشاد متهم، محرومیت از نگهداری نسبت به مالک حیوان اهلی و خدمات عام المنفعه صادر نماید (challener, opcit, 507). در قانون فرانسه نیز چنانکه دیدیم، مجازات این جرم دو سال حبس و جزای نقدی تا سی هزار یورو است. در مجموع نظام عدالت کیفری سوءاستفاده از حیوانات را یک جرم شدید تلقی نمی‌کند و دلایل این امر متعدد است:

- ۱- جامعه در برخورد کلی ارزش کمتری برای حیوانات نسبت به انسان‌ها قائل است؛
 - ۲- موضوعات مهم انسانی دیگر موضوعات را در محاق برده و درک اهمیت آن را کاهش می‌دهد؛
 - ۳- از آنجا که دسته‌اندکی از این جرم گزارش می‌شود، این فرض که سوءاستفاده از حیوانات امر نادری است، قوت می‌یابد؛
 - ۴- جرم ظلم به حیوانات از خشونت نسبت به انسان‌ها جدا تلقی می‌شود (madelin, opcit, 327)؛
 - ۵- شاید بتوان برخی استثنائات قانونی در این زمینه را مانند قوانین مربوط به شکار و صید و تفریح را نیز موجب تضعیف قوانین ضد ظلم نسبت به حیوانات محسوب کرد (Ibid, P319).
- به نظر می‌رسد با توجه به نوع مجرمین و تفاوت‌های شخصیتی آنها نوع واکنش در این جرم متفاوت تعیین گردد؛ به عنوان مثال در مورد مجرمینی که انگیزه‌های پستی مثل ارضای حس خشونت خود یا تفریح دارند، مجازات حبس جنبه استحقاقی و از طرفی بازدارندگی بیشتری دارد. همین طور آنهایی که انگیزه‌های اقتصادی و افزایش ثروت موجب ارتکاب جرمشان گردیده، جزای نقدی مجازات متناسبی خواهد بود. و در نهایت مجرمینی که به جهت فقر فرهنگی مرتکب جرم می‌گردند، مجازات‌های اجتماعی مثل الزام به نگهداری حیوانات و مراقبت از آنها به صورت کار عام المنفعه در باغ و حش‌ها مجازاتی لازم و کافی است.

نتیجه

ظلم به حیوانات یکی از جرایم شناخته شده در قوانین کشورهای مختلف است. این جرم اختصاص به کشورهای غربی نداشته و حتی در کشورهای آسیایی و آفریقایی پیش‌بینی شده است. با عنایت به مبانی فرهنگی و مذهبی جامعه ایران به نظر می‌رسد، لازم باشد، قانونگذار ایرانی نیز با پیش‌بینی یک عنوان جزایی خاص با این مضمون به حمایت جامع‌تری از حقوق حیوانات بپردازد. به ویژه آنکه حق در حیوانات به دلیل قابل اسقاط نبودن آن برای حمایت وضعیت دشوارتری دارد؛ زیرا تنها راه خروج از عهده آن انجامش است. اگر در انسان‌ها با جلب رضایت می‌توان از انجام حق سر باز زد، در حیوانات انسان‌ها موظف به انجام آن هستند (مقیمی، همان: ۱۴۰).

وجود چنین مستندی در قانون مانع توسل به عناوین مبهم و کلی قانون چون عمل حرام گردیده و اصل قانونی بودن جرم را نیز محترم می‌شمارد. پیشنهاد ما علی رغم وجود منابع حداکثری در فقه^۱ استفاده از الگوی حد اقلی برای شروع کار است تا لاقلاً مصادیق اجلای این عمل که به زعم جامعه هم مضر و هم غیر اخلاقی است جرم‌انگاری گردد، در این شیوه اولاً: رفتارهای مضر به سلامت جسمانی حیوان، ثانیاً: حیوانات مهره دار و ثالثاً: ظلم عمدی جرم‌انگاری خواهد شد. از نظر نوع مجازات نیز حسب مورد با توجه به انگیزه مجرم مجازات حسب، جزای نقدی و در برخی موارد مجازات اجتماعی به صورت کار عام المنفعه مجازات مناسبی می‌تواند باشد. بدیهی است همواره پیش‌گیری مقدم بر درمان است و حقوق کیفری ایزاری پسینی برای مقابله با رفتارهای مخل نظم عمومی است. آموزش کودکان از سنین خردسالی به عنوان نوعی پیشگیری اجتماعی از وسایل مؤثر در پیشگیری از ظلم به حیوانات است. در این زمینه ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق حیوانات مراکز تربیتی را مکلف به آموزش احترام به حیوانات نموده است و لازم است در مدارس کشور نیز در این زمینه از آموزش‌های لازم استفاده گردد. در این زمینه خانواده نیز نقش اساسی دارد. القای ترس و وحشت در کودکان از حیوانات در همان سنین خردسالی از سوی والدین زمینه تنفر از آنها و خشونت نسبت به حیوانات را در کودکان تقویت می‌نماید. یکی دیگر از راه‌های پیشگیری اصلاح این سنت قدیمی است که والدین برای اطاعت فرزندان از خود، آنها را با حیوانات تهدید ننمایند.

منابع

الف - فارسی

۱. پالمر، مایکل؛ *مسائل اخلاقی*، ترجمه: علیرضا آل بویه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۲. پرادل، ژان؛ *حقوق کیفری تطبیقی*، ترجمه: امین جعفری، بی‌جا، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳. پور محمدی، شیمای؛ *گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب*، فقه و حقوق خانواده، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۴.
۴. خالقی، ابوالفتح؛ *تحلیل تدابیر کیفری ملی در حفاظت از گونه‌های جانوری با تأملی بر*

۱. فقهایی چون شیخ طوسی و علامه حلی حیوان را دارای احترام و حرمت ذاتی دانسته‌اند. (مقیمی حاجی، همان، ۱۴۲) و در روایات انسان‌ها نسبت به مطلق حیوانات مسئول شناخته شده‌اند. (انکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم: مجلسی، ۱۴۰۳: ۹)

۵. *اسناد فرا ملی*، فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹.
۵. رضانی قوام آبادی، محمد حسین؛ *حمایت کیفری از گونه‌های جانوری در ایران*، علوم محیطی، سال هفتم، شماره دوم، ۱۳۸۸.
۶. صاعی، پرویز؛ *حقوق و اجتماع*، تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۷. فرحبخش، مجتبی؛ *جرمانگاری فایده‌گرایانه*، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۸. فلاحی، احمد؛ *اصل ضرورت در جرم‌انگاری*، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۹. *قانون مجازات فرانسه*، ترجمه محمد رضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، قم، نشر سلسبیل، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۰. کاظمی، عبدالحسین، رزم آرابی، ناصر و صمدی راد، بهرام؛ *حقوق حیوانات و تحقیقات زیست پزشکی*، اخلاق پزشکی، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۰.
۱۱. مقیمی حاجی، ابوالقاسم؛ *حقوق حیوانات در فقه اسلامی*، فقه اهل بیت، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۸۵.
۱۲. مولایی، یوسف؛ *نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم*، مجله دانشکده حقوق، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶.

ب- عربی

۱۳. جوادی آملی، عبدالله؛ *مفاتیح الحیاء*، قم، نشر اسراء، چاپ نود و چهارم، زمستان ۱۳۹۱.
۱۴. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب؛ *فروع کافی*، بیروت، دار الاضواء، جلد ۶، بی‌جا، ۱۴۰۵.
۱۵. مجلسی، محمد باقر؛ *بحار الانوار*، جلد ۳۲، بیروت، دار الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳.

ج- لاتین

16. www.straypetAdvocacy.org , Animals cruelty laws state by state, 2003.
17. Challener, deborah J, **Protecting cats and dogs in order to protect humans**, Mississippi college law review, vol 29, 2010.
18. Madeline, Beth Ann, **cruelty to animals**, University of Hawaii law review, Vol 23, 2001.
19. **Model penal code** 1962, official draft and explanatory notes , The american law institute, 1985.
20. <http://en.wikipedia.org>, **cruelty to animals**, free encyclopedia.
21. Wilson, scott D, **animals and ethics**, from: Internet encyclopedia of philosophy. htm.